

دفتر اول از جلد دوم  
از مجموعه تاریخ ایران کمبریج

# تاریخ ایران

دوره ماد

به سرپرستی ایلیا گرشویچ

ترجمه بهرام شالگونی

## فهرست مطالب

- ۷ پیشگفتار: چگونه باید تاریخ را خواند و درک کرد
- ۳۹ فصل اول: عیلام  
(نوشته ا.م. دیاکونوف - پژوهشگر ارشد مؤسسه شرق شناسی آکادمی علوم لنینگراد)
- ۴۱ ۱ - ظهور دولت - شهرهای عیلامی
- ۵۴ ۲ - پادشاهی قدیم عیلام
- ۶۲ ۳ - پادشاهی میانه عیلام
- ۶۶ ۴ - پادشاهی جدید عیلام
- ۷۵ فصل دوم: نشان در دوره‌های عیلامی و هخامنشی  
(نوشته ج. هانسن)
- ۹۱ فصل سوم: ماد  
(نوشته ا.م. دیاکونوف)
- ۹۳ مادها و کشورهای همسایه
- ۹۳ ۱ - نخستین اطلاعات ثبت شده در مورد مردم ارتفاعات ایران
- ۹۹ ۲ - اقوام ایرانی زبان در ایران
- ۱۲۰ ۳ - قبیله‌ها و دولت - شهرها. پیشروی آشور و اورارتو
- ۱۳۷ ۴ - دومین دوره پیشروی آشور

۲۷۷	استپ
۲۸۳	کشاورزان سیتی
۲۸۵	سرزمین گرهوس
۲۸۷	دیگر قبایل کشاورز سیتائیه باستان
۲۸۹	۴- اقوام اطراف سیتائیه
۲۸۹	غرب
۲۹۱	مردمان شرق دنیپر
۲۹۷	سارومات‌ها
۲۹۸	لشکرکشی داریوش
۲۹۹	هجوم سیت‌ها به غرب (نقشه ۸)
۳۰۲	۵- توسعه بیشتر و انحطاط
۳۰۲	دوره سیتی متأخر
۳۰۳	گورهای مجلل شاهانه
۳۰۷	استحکامات کامیانکا
۳۰۸	شاه آتئاس
۳۱۰	انحطاط
۳۱۳	نمایه کسان و جای‌ها
۳۳۷	منابع و مآخذ لاتین

۱۶۲	۵- کیمریان و سیت‌ها (سکاهای غربی)
۱۹۰	امپراتوری ماد
۱۹۰	۱- پادشاهی ماد قبل از هوخشتره (کیاکسار)
۲۰۴	۲- جنگ آشور و لیدیه
۲۰۴	امپراتوری ماد
۲۲۳	۳- جامعه، فرهنگ و مذهب ماد
۲۳۳	۴- سقوط امپراتوری ماد

**فصل چهارم: سیت‌ها**

(نوشته مرحوم سولیمیرسکی)

۲۴۵	۱- کشور و مردم
۲۴۶	کشور
۲۴۶	مردم
۲۴۷	شیوه زندگی سیت‌ها
۲۵۰	لباس و زیورآلات
۲۵۲	سلاح‌ها
۲۵۳	صنایع دستی و تجارت
۲۵۴	اعتقادات و آیین خاکسپاری
۲۵۷	هنر سیتی
۲۶۰	۲- خاستگاه سیت‌ها
۲۶۶	سه افسانه
۲۶۶	افسانه سوم
۲۶۹	گروه سیتی شمال غرب قفقاز
۲۷۰	میراث شرقی
۲۷۲	۳- سیتائیه هرودوت
۲۷۶	تصرف سرزمین
۲۷۶	

۷۷۲	۵- کیمیا از اوستا (مطالعه تاریخی)	پیشگفتار
۷۸۱	تاریخ مذهب	تجربیات و روش
۷۸۲	۱- یادداشت‌ها در باب تاریخ و فلسفه (کتابخانه)	روش تحقیق و روش تدریس
۷۸۲	۲- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۳- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۴- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۵- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۶- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۷- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۸- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۹- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۰- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۱- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۲- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۳- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۴- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۵- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۶- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۷- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۸- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۱۹- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۰- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۱- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۲- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۳- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۴- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۵- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۶- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۷- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۸- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۲۹- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس
۷۸۲	۳۰- حکایت‌های تاریخی	تاریخ و فلسفه در روش تدریس

### پیشگفتار

#### چگونه باید تاریخ را خواند و درک کرد<sup>۱</sup>

من میل ندارم در این مقاله درباره‌ی تاریخ به صورت مطلبی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود بحث کنم. روزنامه‌نگاران می‌گویند که جوانان ما هنگام فراغت از تحصیل به اندازه‌ی کافی تاریخ نمی‌دانند. جوانان ما پس از آنکه فکر فرسوده آن را در نتیجه تحصیل درهم شکسته می‌شود احساس می‌کنند که زیاد می‌دانند و سعی دارند آنچه را که خوانده‌اند هر چه زودتر فراموش نمایند. در دانشگاه‌ها اساتید تاریخ، این درس را به دو شیوه می‌آموزند، یکی روش تحقیقاتی که فقط تا هنگام گرفتن نمره در حافظه دانش‌آموزان می‌ماند و دیگری روش عالی که برای آن عده از دانشجویان تدریس می‌شود که می‌خواهند عمر خود را وقف تدریس تاریخ به معلمین آینده‌ی این رشته بنمایند.

مسلماً این دو روش هر دو با ارزشند، ولی هیچ یک از آن‌ها در این مقال مورد بحث نیستند. من می‌خواهم درباره‌ی آن بخش از تاریخ که برای تفنن خواننده می‌شود بحث کنم. یعنی مطالعه‌ای که به هنگام فراغت برای درک حقایق و استفاده از آنچه که دنیای حقیقت به ما اجازه می‌دهد انجام می‌گیرد. من تاریخدان حرفه‌ای نیستم، ولی به عنوان آماتور کتاب‌های تاریخ را زیاد خوانده‌ام. منظور من این است که آنچه

۱. متن بالا اقتباسی است از رساله درک تاریخ اثر برتراند راسل فیلسوف معاصر انگلیسی که آقای دکتر یدالله طوسی آن را ترجمه کرده‌اند و چون مطالب آن بسیار مهم و ارزشمند است، بنابراین، خلاصه این رساله به عنوان پیشگفتار تقدیم خوانندگان می‌گردد.

را که من از تاریخ کسب کرده‌ام و یقین دارم که دیگران نیز بدون قصد خبره شدن از این رشته درک کرده‌اند با زبانی ساده بیان کنم.

در وهله نخست، باید در نظر داشت که اگر تاریخ موافق طبع شخص نباشد نباید آن را خواند. تاریخ را هنگامی باید خواند که انسان دریابد که از خواندن آن لذت می‌برد و به آن علاقمند است. منظور من این نیست که غرض از خواندن تاریخ تنها لذت روحی است. فواید تاریخ خیلی بیشتر از این است و من در این مقاله سعی می‌کنم که آن‌ها را توضیح دهم، ولی اذعان می‌کنم که تنها کسانی از این فواید برخوردار می‌شوند که از خواندن آن لذت برند و این فرضیه در مورد مطالب دیگر: از قبیل موسیقی و نقاشی و شعر نیز صادق است. اگر ما این مطالب را بالا جبار یا فقط به منظور توسعه معلومات خود مطالعه کنیم به هیچ وجه نمی‌توانیم فوایدی را که در بردارند اخذ کنیم.

شکسپیر آثار خود را برای روشن ساختن دل‌های گرفته می‌نوشت و اگر کسی دوستدار شعر و ادب باشد از خواندن آثار او شاد می‌گردد، ولی اگر این احساس را نداشته باشد بهتر است که از خواندن آثار وی صرف نظر کند و اگر آثار او را به کودکان دبستانی تحمیل کنیم، ممکن است از شنیدن نام وی گریزان شوند. این عمل هم توهینی به شکسپیر بوده و هم موجب ناراحتی کودکان می‌گردد. باید به کودکان دبستان فرصت داد که از آثار او در صورت تمایل لذت برند و اگر این آثار به صورت نمایشنامه به آن‌ها آموخته شود جالب‌تر و موفق‌تر خواهد بود و آنهایی که از نمایشنامه‌های شکسپیر بدشان می‌آید باید به دروس دیگری که به آن‌ها علاقه دارند بپردازند.

ولی در مورد تاریخ نمی‌توان این رویه را به کار برد، زیرا در مدارس باید کمی تاریخ به شاگردان آموخت و آنچه را که بیش از این، حداقل می‌خواهیم به دانش‌آموزان بیاموزیم، باید فقط به آن کسانی بگوییم که علاقه به فراگرفتن آن داشته باشند و حتی تدریس حداقل تاریخ نیز باید به صورت لذت‌بخش و دلپذیری در آید. بیشتر کودکان هنگام ورود به دبستان مایلند معلوماتی را کسب کنند و چیزهایی را فراگیرند، ولی اغلب آن‌ها در نتیجه سوءتدریس، کودن و دل‌سرد می‌شوند.

تاریخ بر دو نوع است، تاریخ به معنای اعم و تاریخ به معنای اخص. هر یک از این دو نوع دارای ارزش خاصی می‌باشند، ولی ارزش هر یک از آن‌ها با دیگری فرق دارد. تاریخ به معنای اعم به ما کمک می‌کند که بدانیم دنیا چگونه به صورت فعلی در آمده است؟ در صورتی که تاریخ به معنای اخص ما را با مردان و زنان مشهور آشنا می‌کند و طبیعت بشر را بر ما آشکار می‌سازد. این دو نوع تاریخ باید به موازات یکدیگر آموخته شوند و در ابتدای امر بایستی به صورت سخنرانی و نمایش فیلم تدریس گردند.

تاریخ به معنای اعم، به این سؤال پاسخ می‌دهد که «چگونه وضع بدین منوال در آمد؟» و این پرسش برای کودکان باهوش بی‌نهایت جالب است. در این روش باید ابتدا از جدا شدن سیارات از خورشید گفتگو کرد و سپس وضع زمین را که به صورت گوی آتشین از خورشید جدا شد و به تدریج سرد و سخت گردید و در پوسته‌ی آن زمین لرزه‌ها، آتش‌فشان‌ها، دریا‌های سوزان و باران‌های جوشان به وجود آمد برای کودکان توضیح داد، سپس اشکال گوناگون زندگی را به ترتیب ظهورشان در سطح زمین مانند پیدایش جنگل‌های سرخس، گل‌ها و زنبورها، ماهی‌های عجیب، خزندگان عظیم‌الجثه که در لجن زارها نبردهای خونین می‌کردند، پرنده‌گان عجیب‌الخلقه که کم‌کم طریقه پرواز را می‌آموختند، پستاندارانی که در مراحل اولیه کوچک بودند، ولی کم‌کم جثه‌ی آن‌ها بزرگ شد و در زندگی توفیق بیشتری حاصل کردند در نظر کودکان مجسم ساخت. سپس به شرح انسان اولیه پرداخت و زندگی انسان پیت کانتروپ<sup>۱</sup>، ارکتوس<sup>۲</sup>، پیلندون<sup>۳</sup>، نئاندرتال<sup>۴</sup> و کرومانیون<sup>۵</sup> را تشریح کرد.

باید نشان داد که انسان اولیه از حیوانات وحشی می‌گریخت و به بالای درختان پناه می‌برد و پس از کشف آتش توانست در بُن غارها مأمنی پیدا کند و برای نجات از چنگال پلنگ‌های تیزدندان به گوشه دریاچه‌ها پناه برد و برای رهایی از

1. Pithecanthropus

2. Erectus

3. piltdown

4. Neandertal

5. Cro-Magnon